

ادامه تحصیل با وجود نقص مدارک هویتی

اصل و شرح

چند روز پیش ویدئوی کوتاهی از یک دختر دانش آموز ابتدایی در سیستان و بلوچستان منتشر شد. او که رویوش مدرسه به تن داشت، در این ویدئو گفت

برای حال خوب موسپیدها

درباره یک تجربه موفق همکاری بین شهرداری و گروه‌های فعال داوطلب که معاشرت و زندگی را برای سالمندان خواستنی تر کرده است

محمد سربابی | روزنامه‌نگار | با وجود هشتاد و هشت سالگی، زید دربارۀ افزایش قطعی تعداد سالمندان در سال‌های آینده، جامعه ایران آماده روبه‌رو شدن با این اتفاق نیست.

همایش‌های دولتی بر گزار و پژوهش‌های دانشگاهی انجام می‌شود، اما زندگی سالم در جوامع محلی و ارتباط دائمی و نزدیک بین افراد آشنا شکل می‌گیرد. یکی از گروه‌های مردمی در همکاری با شهرداری تهران پاتوقی برای سالمندان فراهم کرده است. هفته پیش مراسم «پوش گل رز» با حضور مسئولان شهرداری و بهزیستی در «پاتوق حال خوب» بر گزار شد. به این بهانه سراغ آنها رفتیم.

پله‌های پارک

راه رسیدن به ساختمان پاتوق حال خوب از میان پله‌های سنگی و مسیر پر از پستی و بلندی درون پارک نظامی گنجوی می‌گذرد. فضای کوچکی با تعداد زیادی کتاب، میلمان شاد و مراجعه‌کنندگان که یک حلقه به هم پیوسته از آدم‌های هم‌سن و سال را تشکیل داده‌اند. امروز پارک خلوت و در پاتوق نیمه‌باز است. از ساعت ۹ صبح رفت‌وآمد سالمندان به پاتوق شروع می‌شود. با چند تن از ادار کنندگان پاتوق در این‌باره صحبت می‌کنیم. زهره دولکشا می‌گوید: «یکی از مشکلات ما تامین مکان برای ایجاد پاتوق محله بود. ما کار تجاری نمی‌کنیم و درآمدی نداریم. محلی که اکنون در اختیار ما گذاشته شده را هم سال پیش با مساعدت شهرداری اجاره کردیم.» گروه مجازی پاتوق حال خوب ۴۵۰ عضو دارد و روزانه ۲۰ تا ۷۰ نفر به ساختمان آن مراجعه می‌کنند.

در برخی از ساختمان‌های سراسری محله در مناطق مختلف شهر تهران گروه‌های سالمند با اسامی «سرای تجربه» یا «سرای زندگی - فراهنگ»

فضای مشترک روزانه

از ساعت ۱۰ به بعد دیگر می‌شود سالمندان را دید که به روال هر روز دور هم نشست‌اند و صحبت می‌کنند. ایده اصلی پاتوق ساده است؛ سالمندان در فضایی آرام و شاد دور هم جمع می‌شوند، با یکدیگر معاشرت می‌کنند و سرگرمی‌های مشترکی مثل بازی و کلاس‌های آموزشی



عکس: همشهری | رضا نوری‌اله

دارند؛ در نتیجه احساس تنهایی نمی‌کنند، روحیه بهتری دارند و بعد از مدتی درهای جسمی‌شان هم کاهش پیدا می‌کند. سامان تهرانی هم می‌گوید: «نباید تصور کرد خانه‌های سالمندان که پول زیادی می‌گیرند، حتماً فضای بهتری دارند. ما مراکز نگهداری سالمند را دیده‌ایم که ساختمان‌های شیک و بزرگی با امکانات و برنامه‌های زیاد دارند، اما اشخاصی که درون آنها هستند احساس راحتی نمی‌کنند. سالمندان نیاز دارند که متناسب با فرهنگ خود، از دیگران احترام ببینند.» او با شرح طرح گردشگری دسترس‌پذیر برای سالمندان می‌گوید: «با برنامه‌ریزی و رعایت شرایط مناسب، می‌توان همه سالمندان را به سفرهای کوتاه برد.»

الگوی فعالیت‌های شهرداری

با انتشار نتایج همکاری شهرداری تهران و فعالان حوزه سالمندی، در برخی شهرهای دیگر مانند همدان و بوشهر هم الگوهای مشابهی اجرا می‌شود. شیدآ حسینی می‌گوید: «سالمندان خودشان

که با آمادگی کامل به مدرسه آمده‌ام نتوانسته‌است ثبت نام کند. ظاهراً نقص مدارک هویتی باعث شده است که برخی از دانش‌آموزان سال‌های گذشته اسمال نتوانند سسر کلاس‌ها ببرند. دیروز رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در واکنش به این موضوع گفت: بخشنامه‌ای

بر نامه هم صحبتی

فعالیت‌های باتوق سالمندی بیشتر از اینکه برنامه‌ریزی مدیران آن باشد، به درخواست اعضا طراحی می‌شود. شاید به همین دلیل است که زبان فرانسوا شاهنامه‌خوانی طرفداران بیشتری دارد. ساخت مجسمه‌های خمیری، آموزش ساز، آشپزی، کلاس روانشناسی و نمایش هم بخش دیگری از برنامه‌های باتوق است.

مشخص

می‌کنند که چه چیزهایی نیاز دارند؛ مثلاً می‌خواستند بتوانند با نوه‌هایشان که خارج هستند، تماس تصویری بگیرند؛ برای همین آموزش کار با گوشی‌های هوشمند را بر گزار کردیم. آنها دوست دارند که کار مفیدی انجام دهند؛ مثلاً اینجا کارگاه‌های انتقال تجربه بر گزار می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم درباره حرف‌های که داشته‌اند برای بقیه صحبت کنند.» او درباره تأثیر فضای جمعی بر سلامت سالمندان تأکید می‌کند: «کسانی بودند که در مسیر افسردگی و اژدایم قرار داشتند، اما الان در جمع هم‌سن و سال‌های خود، بازی پانتومیم انجام می‌دهند.»

پاتوق تا ۴ - ۳ عصر یکسره باز است و بعضی روزها مهمانانی از اساتارت‌آپ‌های جوانان یا بازدید مهد کودک‌ها دارد.

لیخند آدم آهنی

پاتوق‌های سالمندی یک مرکز مناسب برای پژوهش‌های علمی هستند. امروز ۴ دانشجو، روایت کوچک سفیدرنگی به نام «تابان» را به پاتوق آورده‌اند. این روایات که در آزمایشگاه روباتیک اجتماعی شناختی - دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه شریف ساخته شده است، قبلاً برای درمان کودکانی استفاده می‌شد که دچار نارساخوانی بودند؛ به همین دلیل است که می‌تواند حرف بزنند و صدای آدم‌ها را بشنوند. نرم‌افزار درون آن، صدارا تحلیل می‌کند. دانشجویان دانشگاه شریف قسمت‌هایی از روایات را توسعه داده و برنامه‌هایی به آن اضافه کرده‌اند تا بتواند فعالیت‌های دیگری را انجام دهد و حالا قادر است که با سالمندان هم ارتباط برقرار کند تا با یکدیگر بازی‌های فکری ساده‌ای انجام دهند. تابان در آینده یک وسیله ارتباط و مراقبت از سالمندان خواهد شد.

به استان‌ها ابلاغ شده است تا با همکاری مدیران کل استان‌ها، استفاده از ظرفیت‌های محلی و تعامل با دستگاه‌های مرتبط، زمینه حضور و استمرار تحصیل تمام کودکان ایرانی فراهم شود. هیچ کودک واجب‌التعلیمی حتی با وجود نقص مدارک هویتی نباید از آموزش محروم بماند.

بالگردهای دید در شب از راه می‌رسند

خبرهای تازه رئیس جمعیت هلال احمر به همشهری



فاطمه عسگری‌نیا | روزنامه‌نگار |

سقوط بالگرد هلال احمر در جمعه گذشته و موضوع چرایی آن بحث داغ نشست خبری پیر حسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال احمر کشور بود. در این نشست، کولیوند با اشاره به وقوع بیش از ۲۱ هزار حادثه از ابتدای اسمال در کشور گفت ۱۱ هزار و ۲۰۰ حادثه فقط ترافیکی بوده‌اند؛ آمار بالایی که به قول او برای کاهش آن به اقدامات آموزشی مردمی نیاز است. به گفته او، بیش از ۴۵۹ هزار نفر در این حوادث از خدمات امدادی هلال احمر بهره‌مند شده‌اند. کولیوند البته آمار جالب دیگری در حوزه حوادث ارائه کرد و گفت: به طور متوسط روزانه ۱۱۵ حادثه به جمعیت هلال احمر ایران اطلاع داده می‌شود؛ خبرنگار همشهری در این نشست ۲ سؤال از رئیس جمعیت هلال احمر پرسید که با پاسخ‌هایشان می‌خوانید.

با وجود سقوط بالگرد امدادی در حادثه

اخیر و بالگردی که در جنگ ۱۲ روزه آسیب دید و از مدار فعالیت خارج شد در حال حاضر چند فروند بالگرد امدادی داریم و وضعیت این بالگردها چگونه است؟

فارغ از این دو بالگردی که به آنها اشاره کردید در حال حاضر ۲۲ بالگرد داریم. ما برای اینکه ایسن ناوگان را مدیریت کنیم و همواره در حالت آماده‌باش باشیم باید براساس استاندارد، تعریفی برای آنها نسبت به تعویض تجهیزاتشان مقرر کنیم؛ بنابراین بالگردهایی که در دوره اورهال به‌سر می‌برند، قطعاً امکان پرواز نخواهند داشت. از طرفی کادر پروازی و مهندسان پرواز بالگردها موظف هستند قبل از انجام هر ماموریت و پرواز نسبت به تکمیل دفترچه ایمنی بالگرد اقدام کنند و تا این دفترچه تکمیل نشود در واقع پروازی صورت نمی‌گیرد. در حال حاضر بالگردی که در زمان جنگ ۱۲ روزه آسیب دیده در حال تعمیر است و به‌زودی ۳ فروند بالگرد به ناوگان امداد هوایی ما اضافه می‌شود؛ بالگردهایی که مجهز به ناوبری

سیاسی نامیده‌اند، باز کنید و ببینید؛ ده‌ها پیشنهاد مشابه از مفسران ناشناخته و تازه‌په‌دوران رسیده دیگر رسانه صفحه اینستاگرامتان می‌شود که مثل فالگیرها در حال پیش‌بینی حمله احتمالی بعد هستند و درباره اقدامات اقتصادی که

شاید باور تان نشود اما بعد از حمله ۱۲ روزه اسرائیل به ایران، در اینستاگرام شاهد پدیده‌ای هستیم به نام اینفلوئنسرهای حوزه جنگ. یعنی چه؟ یعنی اینکه کافی است ویدئوی یکی از این افراد را که تقریباً همه مرد هستند و خود را مفسر

پدیده جدیدی به نام اینفلوئنسرهای حوزه جنگ



گزارش

صفحه ۱ را مجید اصرری

هشتگ روز

رقابت آیفون ۱۷ و مجتبی شکوری

در هفته‌ای که گذشت، چند موضوع در فضای اجتماعی کشور، فراگیر و محل نزاع و بحث بین کاربران فضای مجازی هم قرار گرفت. در زیر تلاش می‌کنیم به چند مورد از مهم‌ترین آنها اشاره کنیم.

۱ | تقریباً همه ما تا الان عکس دسته‌جمعی چند شهروند ایرانی با گوشی آیفون ۱۷ همراه با قهوه را دیده‌ایم؛ آیفون جدیدی که عنوان شده قیمت آن به بالای ۲۰۰ میلیون تومان در ایران رسیده و عده‌ای زیر این عکس نمایشی انتقاد کرده‌اند که اصلاً چرا باید فرهنگ خرید آیفون با این قیمت گزاف رواج داده شود... از سوی دیگر عده‌ای گفتند که واقعاً این تصمیم شخصی است و هر سال یک عده به دارندگان آیفون حمله نکنند که چرا و به چه علت پولتان را برای خرید این گوشی هزینه می‌کنید. خلاصه اینکه دعوا بر سر لزوم خرین یا احقاققه‌بودن داشتن این گوشی همچنان داغ است و احتمالاً در هفته‌های آینده هم این داستان مثل روال هر سال ادامه پیدا کند.

۲ | ماجرای بعدی مربوط به آخرین اظهار نظر مجتبی شکوری بود؛ فردی که با برنامه کتاب‌باز در تلویزیون ایران معروف شد و حالا بعد از ۲ سال نبودن در قالب هیچ رسانه‌ای، در یک برنامه گفت‌وگو محور غیر جنجالی در یک پلتفرم اینترنتی شرکت کرده و بنا روایت خاطره تلخ تعرض در دوره کودکی، خود را به پدیده رسانه‌های اجتماعی در روز چهارشنبه تبدیل کرده است. صحبت‌های او هم محل اختلاف نظر دو طیف شده؛ اولی طرفداران پر و باقرص او هستند که ویدئوی آن تکه از صحبت‌های شکوری درباره تعرض در کودکی را باز نشر می‌کنند و دومی افرادی که می‌گویند او خواسته بعد از ۲ سال نبودن در شبکه‌های اجتماعی، با یک روایت توفانی برگردد تا حسایی دیده و مطرح شود و گر نه این برنامه که تا حالا جنجالی نداشته است، آنها معتقدند که این روایت ساختگی است.

۳ | آخرین مورد هم مربوط به برنده نوبل پزشکی ۲۰۲۵ است. «فرد رمنسل» یکی از ۲ دانشمندی است که روز دوشنبه برنده جایزه نوبل ۲۰۲۵ در رشته پزشکی شد، اما احتمالاً خودش هنوز از این موضوع خبر ندارد؛ چرا که در ایالت آیداهو در حال پیاده‌روی و زندگی «فالین» و بدون دسترسی به شبکه‌های ارتباطی است. کمیته نوبل تاکنون موفق به تماس با رمنسل برای اطلاع‌رسانی نشده است. این اتفاق نادر هم باعث حسرت معنادان به موایل و فضای مجازی شده است.

افسانه درآمد میلیونی باربرها

آیا شایعه درآمد ماهانه ۱۲۰ میلیون تومانی باربرها و چرخی‌های بازار واقعیت دارد؟

مسیر هاست: از روزی ۴۰۰ تا ۶ هزار تومان (در شلوغ ترین روزهای کاری)، نه آن دستمزدی که این روزها در فضای مجازی شایع شده و نقلش دهان‌بدهان می‌چرخد که درآمد باربرهای بازار به ماهی ۱۰۰ میلیون می‌رسد. برای اطلاع از چند به و چون ماجرا راهی بازار بزرگ پایتخت شدیم.

گاری چرخی‌هایشان را با انباشته‌هایی از بار میان گذرهای شلوغ و تو در توی بازار بزرگ می‌کشانند؛ هر صبح تا عصر. بازار اگر خوب باشد دستمزد روزی ۶، ۸ تیره و اگر خراب باشد شاید ۳، ۴، دفعه‌ها باربری کنند. دستمزدشان هم تابعی از نوع و وزن بارها و البته طول

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار گزارش | عرق از پیشانی‌شان راه باز می‌کند به ابرو ها، به خطوط پنجه‌قصابی اطراف چشم‌ها و گونه‌های مورب با فرو رفته‌شان: «خانم برو کنار... آقا مراقب باش...». بعد به هر جان‌کندنی باشد

ورود ممنوعی که کمی گران تمام می‌شود

از آنجا که ورود موتورسیکلت به حریم تیمچه، دالان و سراسرای بازار ممنوع است هزینه باربری در آن حوالی گران‌تر است. این را جمعه، یکی از باربران سرای ععفری (نحال و روسری) می‌گوید و ادامه می‌دهد: «از کارگاه‌های ته مولوی، چرخی را تا خر تفاق پسر می‌کنیم و می‌آوریم اینجا بازار سلطانی با ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار تومان اما مگر چند تا از این بارها در روز یا هفته گیرمان می‌آید؟ باربر، شناخته شده باشد و قابل اطمینان هم کار بیشتری به او می‌سپارند و علاوه بر دستمزدش، مبلغی هم به‌عنوان پاداش، شیرینی یا انعام می‌گیرد. همه اینها با هم می‌شود روزی ۵ تا نهایتاً ۷۰۰ مسیر یا میانگین ۲۰۰ هزار تومان». اغلب اوقات، تعیین قیمت و دستمزد باربری به صورت توافقی است و نرخ ثابت و مصوبی وجود ندارد؛ مانند نرخ جابه‌جایی جهیز به عروس. زانبار، باربر دیگری است که چند کار تن بزرگ از وسایل آشپزخانه را که عروس خانمی تهیه کرده، روی گاری چرخی‌اش گذاشته: «از کنار چهارسوق بزرگ تا چهارراه گلوندک پیش تاکسی درستی می‌برم با ۴۰۰ هزار تومان. بگو خدا برکت و تمام...» مادر عروس که خسته از گشتن و پول خرج کردن‌های بسیار است، زود پاسخ می‌دهد: «گران نمی‌گیری؟». «نه، خانم حاج از صبح این همه پول بریز و بپاش کردی، به‌ما رسیدی خسیس شدی!» بازار شلوغ است و صدای چرخ گاری‌ها بالاتر از همه‌هم مردم، داذن رستوران‌ها و مغازه‌ها و دستفروشان‌ی که فال گردوی تازه می‌فروشند، به گوش می‌رسد.

مظنه باربری، توافقی است

کمی بعد از پیچ گذر امین الدوله ایستاده‌اند و سرگرم چانه‌زنی‌اند. آنکه صاحب بار است، می‌گوید: «حاجی خودت نگاه کن دیگه، ۳ طاقه است؛ روی هم ۵۰ کیلو هم نمی‌شه. بعد این به تکه مسیر رو برای باربری شون قیمت می‌دی ۱۵۰ تومن؟ بابا، انصاف تو شوکر...» باربر هم از این طرف چانه می‌زند که «اینکه راهش تنگ و پیچ‌و‌پیچ است رو ول کردی و چسبیدی به وزن کم و مسیر کوتاه! اون وقت تو انصاف داری؟» توافق‌شان نمی‌شود و باربر که پسری جوان و کرد است گاری چرخی‌اش را هل می‌دهد بسوی چهارراه شلوغ مولوی: «باربر‌های قدیمی، جاو مکان ثابت دارن که سال‌هاست فرق کردن. فقط خودخوشون یا جانشینان شون که خودخوشن تعیین می‌کنن اونجاها بار می‌کشن... برای ما که جاسا نداریم مشتری ثابت، درآمد باربری شاید روزی ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومن بیفته...» رسیده به چهارراه با بار طاقه‌های پارچه (هر طاقه ۳۰ کیلوگرمی ۲۰ تا ۴۰ هزار تومان) دخلش از کوری درمی‌آید.